



بررسی اعتبار پرسشنامه ارزشیابی خود در رابطه با گرایش به روان پریشی در پرسشنامه شخصیتی آیزنک

دکتر حسین مولوی*

چکیده

هدف از اجرای این پژوهش بررسی رابطه بین گرایش به روان پریشی پرسشنامه شخصیتی آیزنک و ارزشیابی خودآگاهی، ارزشیابی رضایت شخصی و جنسیت بوده است تا از این طریق اعتبار پرسشنامه ارزشیابی خود در مقایسه با پرسشنامه شخصیتی آیزنک مشخص گردد. یک گروه ۷۲ نفری (۵۷ مرد، ۱۵ زن) از دانشجویان رشته‌های مشاوره و علوم تربیتی که در نیمسال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۳ نام‌نویسی کرده بودند بعنوان آزمایش‌شوندگان این پژوهش انتخاب شدند و سه پرسشنامه میان آنها توزیع و اجرا گردید. در پرسشنامه اول (پرسشنامه گروه‌سنجی)، از آنها خواسته شد سه نفر از نزدیکترین دوستان خود را انتخاب نمایند. در پرسشنامه دوم (پرسشنامه سازگاری)، از آنها خواسته شد خود واقعیشان را در یک مقیاس ۷ درجه‌ای در رابطه با هریک از خصصتهای هفتگانه شخصی آیزنک ارزشیابی نمایند. سپس از آنها خواسته شد خود ایده‌آلشان را در همان مقیاسهای شخصیتی ارزشیابی کنند. سه نفر از دوستان آنها نیز آنها را در همان مقیاسها ارزشیابی نمودند. سپس کلیه آزمایش‌شوندگان به پرسشهای پرسشنامه گرایش به روان پریشی پاسخ دادند. مجموع تفاوتها بین نمرات خود واقعی و نمرات ارزشیابی دوستان، نمره خودآگاهی هر فرد را تشکیل می‌داد و مجموع تفاوتهای موجود بین نمرات خود واقعی و نمرات خود ایده‌آل، نمره رضایت شخصی یا پذیرش خود هر فرد را تشکیل می‌داد. نتایج نشان داد که همبستگی معنی‌داری بین گرایش به روان پریشی آیزنک، خودآگاهی و رضایت شخصی در افراد عادی وجود ندارد. اما همبستگی دورشته‌ای نقطه‌ای بین جنسیت و گرایش به روان پریشی معنی‌دار بود ($P < 0/05$)، بدین معنی که مردان در مقایسه با زنان بطور معنی‌داری نمرات بالاتری در پرسشنامه گرایش به روان پریشی کسب کردند. نتایج نشان داد که هر قدر مطلوب بودن ویژگیهای شخصیتی مورد ارزشیابی خود بیشتر باشد ارزشیابی آزمایش‌شوندگان بیشتر با واقعیت مطابقت خواهد داشت و اعتبار آن بیشتر خواهد بود.

کلید واژه: ارزشیابی خود، رضایت شخصی، پرسشنامه شخصیتی آیزنک، دانشجویان

* روانشناس، دانشیار گروه روانشناسی، اصفهان، خیابان هزار جریب، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی.

هدف از اجرای این پژوهش بررسی اعتبار پرسشنامه ارزشیابی خود در رابطه با گرایش به روان‌پریشی در پرسشنامه شخصیتی آیزنک بود که از نوع مقیاسهای چند درجه‌ای است. پرسش این بود که ارزشیابی ویژگیهای شخصیتی خویشان تا چه حد با مقیاسهای عینی شخصیت مطابقت دارد. در مقیاسهای عینی شخصیت مانند ام‌پی‌آی^(۱) یا پرسشنامه شخصیت آیزنک مقیاس دروغ‌سنجی گنجانده شده است ولی در مقیاسهای چند درجه‌ای ارزشیابی خود مانند مقیاس لیکرت مقیاس دروغ‌سنجی وجود ندارد.

از آنجا که پرسشنامه‌های نظرخواهی در مورد مسائل مختلف و ارزشیابی خود در پژوهشهای زیادی مورد استفاده قرار گرفته است، این پرسش که آزمایش‌شوندگان تا چه حدی می‌توانند صادقانه و آگاهانه صفات شخصیتی خود را به درستی ارزشیابی نمایند مطرح گردیده است. به بیان دیگر اعتبار این مقیاسهای چند درجه‌ای تا چه حد است؟

در مورد استناد وقایع مثبت و منفی به خود یا سوگیری به سود خود^(۲) پژوهشهای زیادی انجام گرفته است. برای نمونه ویلی^(۳) (۱۹۸۶) و فریز^(۴) (۱۹۸۵) دریافتند که کودکان موفقیت‌های خود را به راحتی به استعداد و توانایی خود نسبت می‌دهند در حالی که شکست‌های خود را ناشی از بد شانسی و عدم امکانات خارجی می‌دانند. نمونه‌های دیگر، بررسی‌های دیویس^(۵) و استفان^(۶) (۱۹۸۰) و گسریفین^(۷) و دیگران (۱۹۸۳) می‌باشد که در آن دانشجویان دانشگاه موفقیت خود در نمرات را بعنوان تواناییهای شخصی خود پذیرفتند در حالیکه نمرات بد خود را ناشی از کیفیت بد امتحان می‌دانستند. در پژوهشهای دیگر نیز رابطه مثبت بین ارزشیابی خود و ویژگیهای مطلوب شخصیتی بیشتر از رابطه بین ارزشیابی خود و ویژگیهای نامطلوب شخصیتی گزارش شده است (جدول ۳).

در پژوهش دیگری بلوچ^(۸)، مارتین^(۹)، کریستیان^(۱۰)

و کورولا^(۱۱) (۱۹۹۶) دانشجویان رشته روانشناسی را با دانشجویان رشته‌های مهندسی و فیزیک مقایسه کردند تا معلوم گردد که دانش تخصصی تأثیری در ارزشیابی دانشجویان از شخصیت خود دارد یا نه. نتایج نشان داد که همبستگی معنی‌داری بین ارزشیابی دانشجویان از درون‌گرایی - برون‌گرایی خود و نمرات آنها در بخش درون‌گرایی - برون‌گرایی پرسشنامه آیزنک وجود دارد ($P < 0/001$). همچنین همبستگی معنی‌داری بین ارزشیابی دانشجویان رشته‌های غیرروانشناسی از گرایش به روان‌رنجوری خود و نمرات آنها در بخش روان‌رنجوری پرسشنامه آیزنک وجود داشت ($P < 0/001$). در مورد دانشجویان روانشناسی این همبستگی معنی‌دار نبود؛ یعنی دانش علمی آنها در ارزشیابی صحیح از خود، تأثیر می‌گذاشت. در مورد ارزشیابی خود از روان‌پریشی و نمرات روان‌پریشی پرسشنامه آیزنک نیز رابطه معنی‌داری به دست نیامد. در مورد علل سوگیری به سود خود سه نظریه ارائه گردیده است. الف: نظریه عرضه خود، که بیان می‌دارد انسان تلاش می‌کند تصویر مثبت و خوبی از خویشان، هم به خود و هم به دیگران ارائه دهد (اشلنکر^(۱۲) و ویگولد^(۱۳) ۱۹۷۹). ب: نظریه پردازش اطلاعات، بیان می‌دارد که انسان کارهایی را که انجام داده زودتر از کارهایی که انجام نداده یا دیگران انجام داده‌اند به یاد می‌آورد و پردازش می‌کند (راس^(۱۴) و سیکولی^(۱۵) ۱۹۷۹). ج: نظریه سوم بیان می‌دارد که انسان دارای انگیزه حفاظت از عزت نفس و ارتقاء دادن

1-Minnesota Multiphasic Personality Inventory (MMPI)

2-Attribution for positive and negative events and self-serving bias.

3-Whitty

4-Frieze

5-Davis

6-Stephan

7-Griffin

8-Baluch

9-Martin

10-Cristian

11-Korola

12-Schlenker

13-Weigold

14-Ross

15-Siooly

آن می‌باشد (تایس^(۱) ۱۹۹۱).

از بحث بالا می‌توان دریافت که عوامل بی‌شماری ممکن است بر اعتبار مقایسه‌های چند درجه‌ای ارزشیابی خود تأثیر بگذارد، به طوری که اعتبار آنها مورد تردید قرار گیرد. برای از میان برداشتن این نارسایی نگارنده در پژوهش پیشین (۱۳۷۲) و در این بررسی ملاک ارزشیابی دوستان فرد از شخصیت او را به پرسشنامه ارزشیابی خود افزوده است. از سوی دیگر چون ارزشیابی خود شاخص معتبری از خودآگاهی فرد نسبت به ویژگیهای شخصیتی خود نمی‌باشد، نگارنده تفاوت میان نمرات ارزشیابی خود و ارزشیابی دوستان از وی را شاخص خودآگاهی فرد قرار داده است. با این روش شاید بتوان شاخص معتبرتری از خودآگاهی فرد را نسبت به خود بدست آورد. نتایج نیز نشان داده است که رابطه معنی داری بین ارزشیابی دانشجویان از روان رنجوری خود و نمرات آنها در بخش روان رنجوری پرسشنامه آیزنک وجود دارد ($P < 0/01$). مسئله دیگری که به اعتبار پرسشنامه‌های ارزشیابی خود مربوط می‌شود این است که آیا اصولاً خودآگاهی که با پرسشنامه‌ها اندازه‌گیری می‌شود رابطه‌ای با ویژگیهای شخصیتی که با پرسشنامه‌های عینی شخصیت سنجیده می‌شود دارد یا نه و میزان آن چقدر است. بدیهی است اگر چنین رابطه‌ای وجود نداشته باشد پرسشنامه‌های ارزشیابی خود دارای اعتبار نیستند و اگر وجود داشته باشد هر قدر میزان آن بیشتر باشد اعتبار آن بیشتر خواهد بود. بازنگری بررسیهای انجام شده نشان می‌دهد که نمرات ارزشیابی از درون‌گرایی - برون‌گرایی خود (ویژگی مطلوب) و از روان رنجوری (ویژگی کمی نامطلوب) رابطه معنی داری با نمرات همین ویژگیها در پرسشنامه آیزنک دارند ولی در مورد روان پریشی (ویژگی نامطلوبتر) این رابطه بین ارزشیابی از خود و روان پریشی مشخص نگردیده است. تنها در پژوهش بلوچ نتایج نشان داد که این رابطه معنی دار نیست (۱۹۹۶).

بنابراین یکی از اهداف دیگر پژوهش بررسی ارتباط

بین‌گرایی به روان پریشی و خودآگاهی، رضایت شخص یا پذیرش خویشتن، و جنسیت در افراد عادی بوده است. آیزنک^(۲) (۱۹۸۳) در بررسیهای خود در تحلیل عوامل شخصیت انسان دریافت که شخصیت انسان از سه عامل مستقل تشکیل می‌گردد: برون‌گرایی - درون‌گرایی^(۳)، گرایش به روان رنجوری^(۴) و گرایش به روان پریشی^(۵) که به نوبه خود از هفت ویژگی شخصیتی تشکیل گردیده است:

متانت - پرخاشگری، تواضع - پرمدهایی، جاه طلبی، ساده لوحی - زیرکی، محافظه کاری - هیجان طلبی، انعطاف پذیری - جزمیت و زنانگی - مردانگی.

نگارنده در پژوهش پیشین (۱۳۷۲) نیز دریافت که در افراد عادی همبستگی معنی داری بین خودآگاهی و گرایش به روان رنجوری از یک سو و رضایت شخصی و گرایش به روان رنجوری از سوی دیگر وجود دارد. یعنی کسانی که در پرسشنامه گرایش به روان رنجوری آیزنک نمره‌های بالایی به دست می‌آورند خودآگاهی و رضایت شخصی کمتری دارند. در حالیکه کسانی که در این پرسشنامه نمره‌های کمتری به دست می‌آورند خودآگاهی و رضایت شخصی بیشتری دارند. پرسش دیگری که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا در افراد عادی بین گرایش به روان پریشی و خودآگاهی و بین گرایش به روان پریشی و رضایت شخصی نیز رابطه‌ای وجود دارد یا نه. اگر وجود داشته باشد بر خلاف نظریه آیزنک است که اظهار می‌دارد گرایش به روان رنجوری و گرایش به روان پریشی دو عامل شخصیتی مستقل می‌باشند. آیزنک در مکاتبه شخصی خود با نگارنده چنین اظهار می‌دارد: "...البته من مایلم در مورد رابطه بین خودآگاهی و سایر عوامل شخصیتی نظیر روان پریشی بیشتر بدانم..." او در جای دیگر (۱۹۸۳) یادآور می‌شود که عامل روان پریشی حوزه نوینی است و

1-Tice

2-Eysenck

3-extroversion - introversion

4-neuroticism

5-psychoticism

کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به آنچه گذشت در بررسی حاضر آزمودن فرضیه‌های زیر مورد توجه قرار گرفته است.

۱- بین خودآگاهی و گرایش به روان پریشی در افراد عادی همبستگی معنی داری وجود ندارد.

۲- بین رضایت شخصی و گرایش به روان پریشی در افراد عادی همبستگی معنی داری وجود ندارد.

۳- بین جنسیت و گرایش به روان پریشی در افراد عادی همبستگی معنی داری وجود دارد. به بیان دیگر نمره‌های مردان در پرسشنامه گرایش به روان پریشی بطور معنی داری بیشتر از نمره‌های مشابه زنان است.

روش

آزمودنیهای پژوهش را یک گروه ۷۲ نفری از دانشجویان رشته‌های مشاوره و علوم تربیتی که در نیمسال اول ۱۳۷۳-۷۴ نام نویسی کرده بودند تشکیل می‌دادند. ۵۷ نفر از این افراد مرد و ۱۵ نفر زن بودند. ابزار پژوهش را سه پرسشنامه به شرح زیر تشکیل داده است: پرسشنامه اول یعنی پرسشنامه گروه سنجی که در هنگام تکمیل آن از آزمایش شوندگان خواسته شد ۳ نفر از نزدیکترین دوستان خود را انتخاب نمایند. پرسشنامه دوم یا پرسشنامه سازگاری از ۳ قسمت تشکیل می‌شد قسمت برون گرای - درون گرای که ۷ خصالت آیزنک را در یک مقیاس ۷ درجه‌ای می‌سنجید. قسمت گرایش به روان رنجوری که آنهم ۷ خصالت در همان مقیاس می‌باشد. نخست از آزمایش شوندگان خواسته شد آن طور که خود را واقعاً می‌بینند (خود واقعی) در رابطه با هر خصالت در این مقیاس ۷ درجه‌ای ارزشیابی کنند. سپس از آنها خواسته شد خود را آن طور که ایده‌آل می‌دانند (خود ایده‌آل) در همان مقیاس ارزشیابی نمایند. پس از آن از دوستان منتخب آنها خواسته شد آنها را در رابطه با همان ویژگیهای شخصیتی و در همان مقیاس ۷ درجه‌ای ارزشیابی نمایند. مجموع تفاوت‌های بین نمرات خود واقعی و میانگین نمرات

دوستان در ۷ خصالت شخصیتی نمره خودآگاهی هر فرد را تشکیل می‌داد. و مجموع تفاوت‌های بین نمرات خود واقعی و خود ایده‌آل در ۷ خصالت شخصیتی نمره رضایت شخصی یا پذیرش خویشتن در هر فرد را تشکیل می‌داد. نمره بالاتر نمایانگر خودآگاهی یا رضایت شخصی کمتر و نمره پایین‌تر نمایانگر خودآگاهی یا رضایت شخصی بیشتر بود. این روش به عنوان فن گروه بندی سؤالات^(۱) معروف است (بلاک^(۲)، ۱۹۷۸). در این روش از آزمایش شونده خواسته می‌شود مجموعه‌ای از اظهار نظرهای شخصیتی را که روی کارتهایی نوشته شده است در مورد خود یا دیگران در ۹ گروه طبقه بندی نماید و این کار معادل این است که آزمایش شونده خود یا دیگران را در یک مقیاس ۹ درجه‌ای (شبه به مقیاس لیکرت^(۳)) در یک پرسشنامه در برگیرنده این اظهار نظرها درجه بندی کند. باتلر و هیگ^(۴) (۱۹۵۴) که از روش مراجع - مرکزی راجرز پیروی می‌کردند نخستین بار از این روش برای مقایسه خود واقعی و خود ایده‌آل استفاده کردند. پس از آن این مقیاس در بررسیهای بسیاری بکار برده شد که نمونه آن بررسیهای ترنر^(۵)، واندرلیپ^(۶) (۱۹۸۵) و وینگو^(۷) (۱۹۵۸) می‌باشد.

پرسشنامه سوم یا پرسشنامه گرایش به روان پریشی دارای ۶۵ پرسش بود که از کتاب خودشناسی تألیف آیزنک و ویلسون (۱۳۶۷) انتخاب، اجرا و نمره گذاری گردید. نمونه‌ای از این پرسشنامه توسط براهنی و همکاران (۱۳۷۰) در جوانان ایرانی هنجاریابی شده و ضرایب پایایی نسبتاً بالایی همراه با رتبه‌های درصدی در آن گزارش گردیده است.

نتایج

1-Q-sort technique	2-Block
3-Likert Scale	4-Butler & Haigh
5-Turner	6-Vanderlippe
7-Vingo	

ضریبهای پایایی پرسشنامه گرایش به روان پریشی به روش تنصیف در دانشجویان رشته‌های مشاوره و علوم تربیتی به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۷۴ بود که میزان آن رضایتبخش بود.

ضریبهای همبستگی بین خودآگاهی، رضایت شخصی، جنسیت و گرایش به روان پریشی در دانشجویان رشته‌های مشاوره و علوم تربیتی در جدول ۱ ارائه گردیده است.

همچنانکه در جدول ۱ مشاهده می‌گردد همبستگیهای بین روان پریشی آیزنک و ارزشیابی از خودآگاهی و رضایت شخصی معنی دار نبودند. از این رو فرضیه‌های ۱ و ۲ مبنی بر عدم وجود همبستگی معنی دار بین این متغیرها تأیید گردید. فرضیه ۳ مبنی بر وجود همبستگی معنی دار بین گرایش به روان پریشی و جنسیت نیز مورد تأیید قرار گرفت ($P < 0/05$).

جدول ۱- ضریبهای همبستگی بین خودآگاهی، رضایت شخصی، جنسیت در دانشجویان رشته‌های مشاوره و علوم تربیتی بر حسب ابعاد مختلف پرسشنامه شخصیتی آیزنک

نمرات کل ارزشیابی	روان پریشی	روان رنجوری	برون‌گرایی
روان‌پریشی در خودآگاهی رضایت‌شخصی	خودآگاهی رضایت‌شخصی	رضایت‌شخصی	خودآگاهی رضایت‌شخصی
۰/۲۳	۰/۱۰	۰/۱۲۷	۰/۰۶
۰/۱۲۵	۰/۱۳	۰/۰۸	۰/۰۳
۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۰۸

* $P < 0/05$

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار دانشجویان مرد و زن را در پرسشنامه گرایش به روان پریشی آیزنک نشان می‌دهد.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نمرات روان‌پریشی آیزنک در دانشجویان مرد و زن

جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار
مرد	۵۷	۳۱/۴۳	۶/۸۹
زن	۱۵	۲۷/۶۰	۵/۷۷
کل	۷۲	۳۰/۶۳	۶/۸۱

همچنانکه ملاحظه می‌شود میانگین نمرات مردان بیشتر از زنان است و این بدین معنی است که از لحاظ صفات شخصیتی آیزنک مردان خشن‌تر از زنان می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

اعتبار پرسشنامه گرایش به روان پریشی آیزنک از نوع اعتبار عاملی است، بدین معنی که در تحلیل عوامل آیزنک آن نوع پرسشهایی که عامل مشترکی را نشان می‌دهد، پرسشهایی بوده‌اند که گرایش به روان پریشی را

نتایج نشان داد که در افراد عادی رابطه‌ای بین ارزشیابی از خودآگاهی و گرایش به روان پریشی و بین ارزشیابی از رضایت شخصی و گرایش به روان پریشی وجود ندارد. به بیان دیگر، به دست آوردن نمره بالا در پرسشنامه گرایش به روان پریشی به معنی خودآگاهی و رضایت شخصی بیشتر یا کمتر نیست. اما در رابطه با گرایش به روان رنجوری، نگارنده در پژوهش پیشین (۱۳۷۲) همبستگی‌های معنی داری بین گرایش به روان رنجوری و خودآگاهی و رضایت شخصی بدست آورد. یعنی در حالیکه خودآگاهی و رضایت شخصی با نمره‌های مقیاس گرایش به روان رنجوری رابطه دارد، با نمرات مقیاس گرایش به روان پریشی رابطه‌ای ندارد و این یافته در تأیید نظریه آیزنک مبنی بر مستقل بودن دو عامل شخصیتی گرایش به روان رنجوری و گرایش به روان پریشی از یکدیگر می‌باشد.

در بررسیهای بیمارستانی آمار مردان مبتلا به اسکیزوفرنیا بیش از زنان برآورد گردیده است (انجمن

روانپزشکان آمریکا (۱۹۹۴)، در این پژوهش نیز نشان داده شد که در افراد بهنجار مردان در مقایسه با زنان گرایش بیشتری به روان پریشی دارند. آیزنک (۱۹۸۳) نیز پس از بیان این نکته که نمره مردان در مقیاس گرایش به روان پریشی بسیار بالاتر از زنان است، می‌افزاید که نسبت افراد مجرم در بین مردان بیشتر از زنان است.

نتایج مربوط به میزان خودآگاهی، ویژگیهای شخصیتی و نیز تعیین اعتبار پرسشنامه‌های ارزشیابی خود، در بررسیهای مختلف در جدول ۳ ارائه گردیده است.

جدول ۳- ضریبهای همبستگی بدست آمده بین ارزشیابی خود (خودآگاهی) و آزمون شخصیت آیزنک در بررسیهای مختلف

درون‌گرایی	روان‌رنجوری	روان‌پریشی
هریسون ^(۱) و مک‌لین ^(۲) ۰/۵۶	۰/۷۲	(۱۹۶۹)
گری ^(۳) ۰/۲۸	۰/۲۱	(۱۹۷۲)
بلوچ و دیگن (۱۹۹۶)	۰/۳۲	۰/۲۵
رشته روانشناسی	۰/۱۲	۰/۵
سایر رشته‌ها	۰/۵۱	۰/۱۲
مولوی (۱۳۷۲)	۰/۴۲	۰/۶۱
مولوی (در این پژوهش)	۰/۱۳۵	

*P < ۰/۰۰۱

با مروری بر نتایج سایر پژوهشها و این بررسی می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱- رابطه معنی‌داری بین نمرات خودآگاهی (که در پرسشنامه‌های ارزشیابی خود اندازه‌گیری می‌شود) و نمرات پرسشنامه‌های عینی شخصیت وجود دارد و این امر بیشتر در مورد ویژگیهای مطلوب شخصیت مانند درون‌گرایی - برون‌گرایی صادق است. از این رو این گونه پرسشنامه‌ها در رابطه با ویژگیهای مطلوب شخصیتی اعتبار دارند.

۲- رابطه معنی‌دار ولی کمتری بین نمرات خودآگاهی و نمرات آزمونهای عینی شخصیت در رابطه با ویژگیهای نامطلوب شخصیت مانند گرایش به روان‌رنجوری وجود دارد و از این رو این گونه پرسشنامه‌ها در رابطه با روان رنجوری اعتبار دارند. اگر از نمره‌های تفاوت بین ارزشیابی خود و ارزشیابی دوستان از خود استفاده شود، اعتبار پرسشنامه حتی بیشتر است.

۳- رابطه معنی‌داری بین خودآگاهی و گرایش به روان‌پریشی وجود ندارد. از این رو پرسشنامه‌ها در رابطه با ویژگیهای نامطلوب‌تر شخصیت اعتبار ندارند.

۴- مجذور ضریبهای همبستگی (جدول ۳)، نسبت واریانس نمرات در آزمون شخصیت آیزنک را تبیین می‌کند. برای نمونه مجذور ضریب همبستگی ۰/۷۲، ۰/۵۲ است. به این معنی که ۵۲ درصد تفاوت‌های فردی حاصل از آزمون آیزنک را می‌توان با اجرای پرسشنامه ارزشیابی خود در رابطه با درون‌گرایی - برون‌گرایی بدست آورد. واضح است که هر قدر ضریب همبستگی بیشتر باشد اعتبار پرسشنامه بیشتر خواهد بود.

۵- می‌توان گفت که هر قدر میزان مطلوب بودن ویژگیهای شخصیت مورد ارزشیابی کمتر باشد سوگیری به سود خود بیشتر و پرسشنامه مورد نظر اعتبار کمتری خواهد داشت؛ به بیان دیگر پاسخهای آزمایش شوندگان کمتر با واقعیت مطابقت خواهد داشت.

منابع

اوپنهایم، ا. ان. (۱۳۶۹). طرح پرسشنامه و سنجش نگرشها، ترجمه مرضیه کریم نیا، تهران: انتشارات آستان قدس.
آیزنک، ا. ج.، و ویلسون، ج. (۱۳۶۷). خودشناسی، ترجمه

- Gale and J. A. Edwards (Eds.) New York: Academic Press.
- Gray, J. (1972). Self-rating and Eysenck Personality Inventory estimates of neuroticism and extraversion. *Psychological Reports*, 30, 213-4.
- Griffin, B. Q., Combs, A. L., Land, M. L., & Combs, N. N. (1983). Attribution of success and failure in college performance. *Journal of Psychology*, 114, 259-66.
- Harrison, N. W., & McLaughlin, R. J. (1969). Self-rating validation of the Eysenck Personality Inventory. *British Journal of Social and Clinical Psychology*, 8, 55-8.
- Ross, M., & Sicoly, F. (1979). Egocentric biases in availability and attribution. *Journal of Personality and Social Psychology*, 37, 223-36.
- Schlenker, B. R., & Weigold, M. F. (1992). Interpersonal processes involving impression regulation and management. *Annual Review of psychology*, 43, In press.
- Tice, D. M. (1991). Esteem protection or enhancement? Self-handicapping motives and attributions differ by trait self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 711-25.
- Turner, R. H., & Vanderlippe, R. H. (1985). Self-ideal congruence as an index of adjustment. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 52,
- Vingo, F. J. (1968). Rogers' self-theory and Eysenck's extraversion and neuroticism. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 32,
- Whitly, B. E., & Frieze, I. H. (1985). Childrens causal attributions for success and failure in achievement settings: A meta-analysis. *Journal of Educational Psychology*, 77, 608-16.
- شهاب قهرمان. تهران: شباویز.
- براهنی، محمد تقی؛ اصغرزاده امین، صفیه؛ رضوی خسروشاهی، عزت السادات؛ شمالی، راضیه؛ خمیری، طاهره (۱۳۷۰). هنجاریابی پرسشنامه شخصیتی آیزنک در گروه جوانان ایران. پژوهش ارائه شده در سومین کنگره پژوهشهای روان پزشکی و روانشناسی در ایران. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران.
- مولوی، حسین (۱۳۷۲). بررسی اعتبار پرسشنامه شخصیتی آیزنک در زمینه خودآگاهی و پذیرش خویشتن. *مسئله پژوهشهای روانشناختی*، دوره دوم، شماره ۱ و ۲، صص ۳-۱۰.
- American Psychiatric Association (1994). *Diagnostic and statistical manual (4th ed.)* Washington DC.: APA.
- Baluch, B. G., Martin, G. N., Christian, L., & Corulla, W. J. (1996). *Psychology and non-psychology student's estimation of their desirable and undesirable personality traits. personality and individual differences*, in press.
- Block, J. (1978). *The Q-Sort method in personality assessment and psychiatric research*. Palo Alto: Consulting Psychologist Press.
- Butler, J. M., & Haigh, G. V. (1954). Changes in the relation between self-concepts and ideal self-concepts consequent upon client-centered counseling. in C. R. Rogers and R. F. Dymond (Eds.). *Psychotherapy and personality change*. Chicago: University of Chicago Press.
- Davis, M. H., & Stephan, W. G. (1980). Attributions for exam performance. *Journal of Applied Social Psychology*, 10, 235-48.
- Eysenck, H. J. (1983). *Psychophysiology and personality: Extraversion, Neuroticism and psychoticism*. In A. physiological correlates of human behavior. In A.